



ادبیات کودکان و نوجوانان در برابر هجوم فرهنگی

توران میرهادی

۱۷۱	۱۸۸	۳۵۹	۱۳۶۰
۱۰۴	۱۰۲	۲۰۶	۱۳۶۱
۶۶	۱۱۶	۱۸۲	۱۳۶۲
۱۰۰	۹۱	۲۲۹	۱۳۶۳
۹۷	۹۳	۱۹۰	۱۳۶۴
۹۵	۱۰۵	۲۰۰	۱۳۶۵
۳۹	۱۲۴	۱۶۳	۱۳۶۶
۷۸	۱۰۵	۱۸۳	۱۳۶۷
۹۶	۱۴۳	۲۳۹	۱۳۶۸
۱۲۸	۱۱۶	۲۴۴	۱۳۶۹
۱۱۹	۱۳۸	۲۵۷	۱۳۷۰
۱۰۹	۱۴۵	۲۵۴	۱۳۷۱

در آخرین صحنی که در گردهمایی تصویرگران و نویسندگان به مناسبت نمایشگاه بین‌المللی تصویرگران کتاب کودک ایران، در آبان ماه ۱۳۷۲، در موزه هنرهای معاصر داشتیم، سخن خود را چنین به پایان بردم:

«ما در سرزمین خودمان در زمینه انواع نه‌اجم تجربه تاریخی داریم. ما هجوم‌های گوناگون را از سرگذرانیده‌ایم. یاد گرفته‌ایم ببینیم، بیازماییم، جذب کنیم، تغییر دهیم و در نهایت در فرهنگ غنی و پرجاذبه خودمان حل کنیم و به آن صورتی تازه و بکر و بسیار ایرانی بدهیم.»

این بار نیز با همه قدرت و تنوعی که فرآورده‌های تکنولوژی جدید در اختیار ما می‌گذارند به خلق آثار ارزنده روی خواهیم آورد و از فرهنگ مکتوب که پایه اصلی همه فرهنگ‌هاست مدد خواهیم گرفت ...»

دیدن، آزمودن، پذیرفتن، دگرگون کردن، از آن خود کردن و نسودن تازه با هویت ارائه دادن شش مرحله از مقابله در برابر هجوم فرهنگی است که در زمینه ادبیات کودکان و نوجوانان نیز مصداق دارد. چنانچه آگاهانه با آن برخورد شود به ما این امکان را می‌دهد که در این حوزه هنری، نه تنها برابر با ادبیات کودکان و نوجوانان ... (۱) کشورهای تولیدکننده انواع ادبیات گام برداریم بلکه سهم سازنده و برانگیزاننده‌ای نیز در جهان‌بینی و اندیشه نسل جوان داشته باشیم.

نگاهی به آمار کتابهایی که در پانزده سال گذشته برای نخستین بار تألیف و ترجمه شده‌اند، به ما می‌گوید چه دیده‌ایم و چه می‌بینیم. چه میزان آثار نویسندگان خود و سایر کشورهای دیگر را در اختیار نسل جوان گذاشته‌ایم. این آمار از گزارش‌های شورای کتاب کودک استخراج شده است.

سال	جمع	تألیف	ترجمه
۱۳۵۷	۱۱۹	۸۲	۳۷
۱۳۵۸	۳۸۹	۳۲۳	۶۶
۱۳۵۹	۴۰۵	۲۸۸	۱۱۷

از نظر دیده و بستن فرهنگی، کشورها را به چهار دسته تقسیم می‌کنند. کشورهای صادرکننده، کشورهای واردکننده، کشورهایی که میزان تولید داخلی آنها با آنچه وارد می‌کنند در تعادل است، و کشورهایی که بیشتر بر تولید داخلی تکیه دارند.

ما پس از انقلاب اسلامی یکی دو سال توانستیم در زمره کشورهای دسته چهارم قرار بگیریم. ولی جوان بودن نویسندگان تازه کار، نداشتن تجربه و زمینه لازم عملاً سبب شد که ما در زمره کشورهای دسته سوم قرار بگیریم با توجه به این نکته که قبل از انقلاب در دسته کشورهای دوم قرار داشتیم.

از نظر کیفیت آثار نیز در سیر تکاملی قرار گرفتیم. از میان کتابهای نویسندگان ایرانی در ابتدا تنها ۱/۲ به فهرستهای کتابهای مناسب راه می‌یافتند. سپس ۱/۳ و در آخرین آمار حدود ۱/۴ آثار شایستگی قرار گرفتن در دو فهرست را به دست آوردند. همین سیر تکاملی در کار تصویرگران کتابهای کودکان ایران نیز مشاهده می‌شود. سه نمایشگاه در دو سالانه ایرانی (۱۳۶۸)



و آسیایی (۱۳۷۰) و بین‌المللی (۱۳۷۲) شاهدان این پیشرفت هستند.

دیدن تواناییها، دگرگونیها همراه با کمبها و کاستیها، نقصها و ضعفها یک نیاز همیشگی در کار ادبیات کودکان و نوجوانان است. نگاهی به زمینه‌ها و بررسیهای عرضه شده در طی سه گردهمایی نویسندگان و تصویرگران، گفتگوها و مصاحبه‌هایی که در سه دوره مجله‌های رویش در اختیار دست‌اندرکاران تهیه و نشر کتابهای کودکان قرار گرفت، همراه با چندین مقاله فنی، عملاً زمینه را برای تفکر، بازنگری و آزمودن باز کرد.

گرچه بیشتر آثار ترجمه شده در حوزه کتابهای غیر داستانی قرار دارند، در این پانزده سال شاهد ترجمه آثار زبده ادبیات کودکان و نوجوانان بوده‌ایم. مترجمان با استفاده از مراکز چون کتابخانه تحقیقاتی شورای کتاب کودک و کتابخانه مرجع کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و آشنایی با آثار کاندیدهای جایزه آندرسن و برندگان این جایزه دست به ترجمه آثار ارزنده زدند. مطالعه این ترجمه‌ها حوزه تجربه نویسندگان جوان ما را گسترش داده است و به تدریج می‌بینیم که جرأت گذر از نوشتن داستانهای کوتاه به سوی داستانهای بلند و رمانها را به دست می‌آورند. البته نباید تصور کرد که نوشتن داستان کوتاه آسانتر از نوشتن رمان است ولی رمان نیاز به تواناییهای دیگری از نظر طرح، ساخت، تحلیل شخصیتها و چفت و بست وقایع دارد و شناخت وسیعتر و عمیقتر روانی و اجتماعی را می‌طلبد. اگر این چند واقعیت را در نظر بگیریم بهتر می‌توانیم اهمیت این از آن خود کردن تجربه‌ها را ارزیابی کنیم. علاقه به نوشتن، به ادبیات، به ادبیات کهن و معاصر کمتر در نظام آموزش و پرورش کشور ما به دست می‌آید. کتابهای درسی خود عامل فرار نسل جوان از گرایش به ادبیات هستند. نه انگیزه ایجاد می‌کنند و نه شناخت درستی از بهینه ادبیات پر بار فارسی در اختیار نسل جوان می‌گذارند. کتابخانه‌های آموزشی گامی و عمومی که بتوانند نقش علاقه‌مند کردن به مطالعه و نیازهای خواندن نسل جوان را برآورند، اندک هستند. در حوزه‌های دانشگاهی نیز درسی و بحثی به نام ادبیات کودکان و نوجوانان تنها در دانشکده‌های علوم تربیتی، آنهم به صورت محدود وجود دارد. گرچه در سالهای پس از انقلاب در زمینه داستان نویسی کارگاهها، کلاسها و دوره‌های مفیدی تشکیل شده‌اند و منابع پایه خوبی نیز به صورت مقاله در مجله‌ها و کتاب جداگانه منتشر شده‌اند، ولی کار سنگین و اصلی گذر از بیخ و خمهای آفرینش اثر برای کودک و نوجوان را نویسنده خود بنا آزمایش و خطا و با خلق آثاری با کیفیتهای متفاوت طی کرده است. البته اگر به کند و کاو در باره حلق و انگیزه‌های نوشتن هر یک از نویسندگان بپردازیم، همواره در پشت صحنه، پدر یا مادری علاقه‌مند، آموزگار یا دبیری هوشیار و توانا، دوستی یا راهنمایی صاحب‌نظر را خواهیم یافت که نویسنده با الهام از آنها تلاطمها و هیجانهای خلق اثر را از سر گذرانده است.

راه میان از آن خود کردن و نمودی تازه با هویت ارائه دادن، راه میان جذب کردن تجربه‌ها و در فرهنگ پر بار و غنی خود حل کردن و سپس به آن صورتی تازه و بکر و ایرانی دادن، هم دراز است و هم دشوار. توان، دانش و کارسنگین می‌طلبد. برگرفتن گرد از داستانهای کم و بیش فضایی زمینی و خلق اثری کم و بیش مشابه آن با نگرشی عارفانه بر عشق و از خود گذشتگی البته آسان نیست ولی برداشت از منبع الهام، چه یک اثر سینمایی

در برابر کتابهای تصویری تردید نکنیم. همیشه متن، انتقال دهنده اطلاعات و آگاهی نیست. کتابهای تصویری خوب در رابطه با کودکانی که هنوز خواندن را نیاموخته‌اند بسیار قویتر از کتابهای دیگر عمل می‌کند.

باشد و چه یک رمان، مهر تقلید بر کار توانفرسای نویسنده می‌زند. زمان و کار فراوان می‌طلبد تا نویسنده تجربه‌ها خواننده‌ها، دیده‌ها و شنیده‌ها را در درون پیوند یافته با زندگی و تاریخ، اندیشه‌ها، باورها و هنر مردم سرزمین خود چنان بیامیزد که اثر بکر و هویت دار شود.

نویسنده و تصویرگر، مثل هر هنرمند دیگر، امر پذیر نیستند. گذاشتن معیارها و ضوابط دست و پاگیر و قابل تفسیرهای گوناگون و سلیقه‌ای در طی راه از آن خود کردن و نمودی تازه با هویت ارائه دادن نه تنها کمکی به آنها نمی‌کند بلکه ممکن است یکسره خلاقیت و استعدادها و تواناییهایشان را منحرف کند. آنچه به هنرمند نویسنده و تصویرگر ادبیات کودکان و نوجوانان کمک می‌کند ایجاد فضاها و محیطی است که بار فرهنگی غنی و خودی دارد و منابعی است که او می‌تواند به آسانی دسترسی یابد.

به یاد دارم که تصویرگری جوان زمانی پرسشی از من کرد که هویت یعنی چه؟ چگونه می‌توان کار با هویت ارائه داد؟

به او گفتم: «کوله بارت را ببیند. دفتر طراحی را بردار و برو سفر، برو میان مردم شهرها و روستاهای این سرزمین پهناور، از همه چیز طرح بردار! از آدمها، از طبیعت، از خانه‌ها و بناها، ولی بیش از آن سر تا پا گوش بشو و به سخنان، باورها و ترانه‌ها گوش دل بسیار، با آنها زندگی کن و از آنها بیاموز در هنر مردمی، در قصه‌ها و دوبیتهای، مثلها و ضرب المثلهای حکایتهای عمیق بشو و خود را از سرچشمه آفرینش یعنی اندیشه و احساس مردم سیراب کن. سپس به بررسی کار هنرمندان بزرگ این سرزمین، شاعر و نویسنده، نقاش و تصویرگر سازنده مسجدها و مناره‌ها، پلهای تاریخی و بناهای تاریخی، طرحها بروی همه گونه اشیائی که در زندگی کاربرد داشته و دارند بپردازد. پس از این سیر و سیاحت چشم و دل، خود چنان هویتی پیدا می‌کند که به طور طبیعی در اثر جلوه‌گر خواهد شد. خودبه خود در انتخاب رنگها و طرحها، فضاها و ترکیب‌بندی دست را هدایت خواهد کرد.»

نیك پیداست كه این كار ضرورت دارد، ولی از عهده هر هنرمندی بر نمی آید. به وجود آوردن فضاها، منابع و امکانات به دست آوردن هویت از خانواده آغاز می شود. لالیبایی كه مادر برای كودك شیرخوارش می خواند، بازیهای كودكانه كه با مثل و شعر با كودك نوپا می كند، قصه های كه نسل در نسل مردم با حكمت آن سیراب شده اند، شعرهای كودكانه دلنشین كه همراه كودك خوانده می شود، همراه با موسیقی محلی و سنتی ما اثری غیر قابل زدودن در كودك باقی می گذارند. زندگی در شهر سبب شده است كه مادران جوان كمتر این لالیبها، مثلها، قصه ها و شعرها را بشناسند. بنابراین چاپ و معرفی آنها به طور منظم هر سال كار نیست لازم. در زمینه جمع آوری آنها كسانی چون صادق هدایت، صبحی، بلوكیاشی، انجوی شیرازی و بسیاری دیگر از گرد آوردندگان و پژوهشگران زحمت فراوان كشیده اند. چاپ منابع اصلی و مجموعه های انتخاب شده، بانصوبرهایی قدیمی و تازه، با برداشتهای جدید از پایه های است كه ما را در برابر هجوم فرهنگی مقاوم می كند. در این زمینه آثاری خوب ولی اندك پدید آمده اند كه كافی نیستند. بازنگری جامع به كتابهای درسی فارسی و تغییر در نگرش و طرح و محتوای آنها، با این هدف عشق و علاقه به ادبیات فارسی در دل هر دانش آموز خردسال نطفه ببندد و در سیر كار تحصیلی در دوره راهنمایی و دبیرستان به او شناخت و توانایی درك و تا حدودی تحلیل آثار ادبی را بدهد، در این دوره از تاریخ کشور ما آنچنان حیاتی شده است كه هر گونه تأخیر و تعلل سبب جدایی فرزندان این سرزمین از گذشته غنی و پر بار خود، تهی شدن از خود و پر شدن از فرهنگ تهاجمی می شود. در این كار استاده از بررسیهای انجام شده و به كار گرفتن همه دلسوختگان بسیار اهمیت دارد و لازم است به نهادهای برنامه ریزی و تدوین كتابهای درسی مدد رسانده شود. نگاهی به مجموعه آثاری كه در این پانزده سال منتشر شده است نشان می دهد كه كمترین اهمیت به پدید آوردن آثاری درباره ایران داده شده است. می توان گفت عده نویسندگانی كه در این زمینه تلاش کرده اند از عده انگشتان يك دست تجاوز نمی كند. تلاشهای ارزنده ای در زمینه معرفی صنایع دستی، لباسهای محلی، زندگی نامه های بزرگان ادب و دانش این سرزمین دیده می شود، ولی این تلاشها در برابر نیاز میلیونها كودك و نوجوان ایرانی بسیار ناچیز به نظر می رسند. مجله های كودكان و نوجوانان، كه تعدادشان اكنون به پانزده می رسد، در طی این سالها كوشش فراوان کرده اند، تا جای خالی را پر كنند ولی كافی نیست. نوشتن اثری داستانی به تصویر كشیدن آن نیاز به استعداد، خلاقیت و قدرت تخیل و جوشش درونی و شناخت هنر و مهارت در فنون نویسندگی و تصویرگری دارد، این شرایط پایه در همه جمع نیست. فنون نوشتن اثری ناشر پیدا نمی كند. چند اثر با وجود داشتن کیفیت خوب از طرف ناشر رد می شود، و چگونه چند نویسنده چند ناشر را در انحصار خود گرفته اند و راه را برای نویسندگان دیگر بسته اند. نویسنده كودكان و نوجوانان بودن ساده نیست و تقریباً هیچ نویسنده ای نمی تواند تمام وجود و وقت خود را در اختیار كار نویسندگی بگذارد. در این پاسخ اشاره به مانعهایی شده است كه برداشتن آن نیاز به بازنگری در شیوه انتخاب آثار توسط همه ناشران و شركت بیشتر آنها در پیشبرد ادبیات كودكان و نوجوانان کشور ما دارد، ناشر كه به ناچار به بُعد

اقتصادی كار خود می اندیشد، گاه دست به شیوه های كاری می زند بسیار مخرب و نویسنده و تصویرگر را دل سرد می كند. اگر ناشر بداند كه آثار خوب او همواره به میزان معینی برای كتابخانه های عمومی كودكان، كتابخانه های آموزشگاهی، و عمومی شهرها خرید می شود، به نشر آثار خوب دست خواهد زد و در انتخاب خود با صاحب نظران مشورت خواهد كرد.

در پایان اشاره به فضایی را كه رسانه ها و بخصوص تلویزیون برای كودكان و نوجوان این سرزمین به وجود می آورد، لازم می دانم. از آغاز دوره پس از انقلاب تا كتون چند تن تلاش برای به وجود آوردن چهره های با هویت فرهنگی خاص سرزمین ما به صورت تپ پا كلیشه برای عقب راندن كلیشه های بیگانه به وجود آورده اند. مدرسه موشها را می توان یکی از این تلاشها دانست. ولی برنامه های كارتونهای خارجی كه بارها و بارها از برنامه كودك تلویزیون پخش می شوند امکان را از پدید آوردندگان داخلی می گیرند. حال به در و دیوار هر محیط سرگرمی مثل شهر بازی و مانند آن، یا مهد كودك و حتی مدرسه نگاه كنیم كلیشه های میکی ماوس، پلنگ صورتی، تام و جری، گوریل انگوری، و سایر فرآورده های فرهنگی امریکایی و ژاپنی دیده می شود. در مهر ۱۳۷۲ كيف و كفش، كلاه، پیراهن، كاپچه و ... نشان از لاكیتهای نیجا داشتند كه نشان می داد نوارهای ویدئویی این موجودات زشت چقدر در میان كودكان و نوجوانان شهری ما خواهان یافته اند. این پدیده ها حتی گروهی از دست اندركاران را به این فكر انداخت كه در برابر این هجوم دست به تهیه كامپیكها، یعنی داستانهایی كه از تصویرهای كلیشه ای پشت سرهم ساخته می شوند بزنند و قهرمانان اسطوره ای این سرزمین را بدینگونه به كودكان و نوجوانان معرفی كنند. البته راه این نیست كه ما تولید مبتذل را در برابر تولید مبتذل و كم مایه فرار دهیم. به وجود آوردن امکانات برای پدید آوردندگان داستانهای ایرانی برای كشتن كارتونهای داخلی، برای فیلمسازان ایرانی و هنرمندان این سرزمین برای ارائه آثارهای خوب، و سعی در همه گیر كردن كلیشه های كارهای آنها، بردن آنها به صورت مجسمه ها در داخل پارکها، و معرفی آنها بروی دیوارهای محیطهای سرگرمی و مهد كودك و آثار چاپی می تواند به تدریج جایگزین این كلیشه های بیگانه، خشن، آزار دهنده و مبتذل در ذهن و اندیشه و تخیل كودكان و نوجوانان سرزمین ما بشود.

خطری كه در این مرحله از تهاجم، ادبیات كودكان و نوجوانان کشور ما با آن روبروست، آموزشی شدن (پیداكسیسم)، القایی شدن و شناختی است. این تهاجم سعی دارد چهره ضد ارزشهایی چون خشونت، جنایت و كشتار، رذالت، قهرمانپروری فردی و حبله و كلاه برداری را ابتدا كسرنگ كند و سپس با جاذبه ای كه طی ماجراها برای آن به وجود می آورد حفاظت آنها را به نسل جوان بقولاند. با پند اندرز و با آثار تصنیفی كه بر پایه هدفهای آموزشی به وجود می آید نمی توان به سراغ این نوع فرآورده های ضد فرهنگی رفت. باید آثاری جالب توجه، زنده، ملهم از زندگی كه تجربه زندگی واقعی را با همه جنبه های تاریك و روشش مطرح می كند در برابر آنها قرار داد. آثاری مانند فیلم سینمایی گلزار یا فیلمهایی كه بر اساس داستانهایی مجید ساخته شده اند. گفتگو و بررسی این تکه آخر فرصتی دیگر می خواهد.